

Freedom of Expression in the Logic of the Holy Qur'an

Ahmad Akhlaqi¹

Abstract

The Holy Qur'an, which outlines the fundamental principles of human sciences, regards humans as inherently free beings. Freedom is a multifaceted concept, one of whose manifestations is "freedom of expression." Given the propaganda and accusations by adversaries claiming that Islam opposes "freedom of expression" and does not allow divergent thoughts and tastes to emerge, explaining this concept within the framework of the Qur'anic discourse and the perspectives of commentators is a pressing necessity.

This study, utilizing library and software resources, adopts a descriptive-analytical method and an interrogative thematic interpretation approach to address the question: What is the concept of "freedom of expression" in the logic of the Qur'an?

The Holy Qur'an, in verses that permit debate and dialogue with opponents and command listening to others' opinions, recognizes the right to guidance, social oversight, and inquiry for all members of society. It instructs both leaders and communities to seek and provide counsel, encourages the oppressed to seek justice, and prohibits concealing the truth. The Qur'an views "freedom of expression" not only as permissible but, in certain instances, as essential.

The reasoning behind citing this collection of verses to affirm "freedom of expression" is that these actions cannot be realized unless the expression of opinions and views is unrestricted. Therefore, in the logic of the Qur'an, expressing one's desires and mental concepts is considered free. However, it is important to note that expressing intellectual reserves is not without constraints; it is bounded by the frameworks of Sharia, reason, logic, and knowledge.

Keywords: Holy Qur'an, Qur'anic logic, freedom of expression, Sunni and Shia commentators.

1 - PhD Candidate in Qur'an and Political Sciences, Department of Qur'an and Humanities, School of Qur'an and Sciences, Higher Education Complex of Qur'an and Hadith, Al-Mustafa International University (PBUH), Daikundi, Afghanistan. fasihi7276@gmail.com



آزادی بیان در منطق قرآن کریم با تأکید بر آرای مفسران فریقین

احمد اخلاقی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳-۷-۱۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳-۹-۱۳

چکیده

قرآن کریم، که خطوط بنیادی علوم انسانی را ترسیم کرده است، انسان را موجودی آزادسرشت می‌داند. آزادی مفهومی پرمصادق بوده که یکی از جلوه‌های آن «آزادی بیان» است. باتوجه به پروپاگاندا و فضا سازی‌های معاندان مبنی بر اینکه اسلام ضد «آزادی بیان» است و به افکار و سلاقی ناهمسو فرصت ظهور نمی‌دهد، تبیین آن در ادبیات قرآن کریم و بینش مفسران، ضرورت فوری است. این نوشتار با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری، روش توصیفی-تحلیلی و تفسیر موضوعی استنتاجی، در پی پاسخ بدین سؤال است که «آزادی بیان» در منطق قرآن چیست؟ قرآن کریم، در آن دسته از آیاتی که محاجّه و جدال با مخالفان را روا شمرده و به استماع اقوال دیگران دستور می‌دهد، حق ارشاد، نظارت اجتماعی و پرسش‌گری را برای احاد افراد جامعه به رسمیت می‌شناسد، به امام و امت دستور مشورت‌خواهی و مشورت‌دهی می‌دهد، مظلومان را به دادخواهی تحریص و کتمان حقایق را ممنوع می‌شمارد، «آزادی بیان» را نه تنها جائز، بلکه در مواردی لازم می‌داند. استدلال به این مجموعه از آیات برای اثبات «آزادی بیان»، از آن جهت است که این امور عینیت نمی‌یابد، مگر زمانی که بیان آراء و انظار آزاد باشد. بنابراین، در منطق قرآن بیان خواسته‌ها و داشته‌های ذهنی آزاد است. یادکرد این نکته مهم است که اظهار اندوخته‌های ذهنی بدون ضابط نیست؛ بلکه در قالب شرع، عقل، منطق و علم محدود می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، منطق قرآن، آزادی بیان، مفسران فریقین.

۱. دانش‌پژوه دکتری قرآن و علوم سیاسی، گروه قرآن و علوم انسانی، مدرسه قرآن و علوم، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، دایکندی، افغانستان fasihi7276@gmail.com

قرآن کریم، جامع‌ترین دستورالعمل حیات اجتماعی، تأمین آزادی و رهانیدن بشر از محدودیت‌های تحمیلی را جزء مهم‌ترین وظایف پیامبر اکرم (ص) دانسته است (اعراف/۱۵۷)^۱؛ زیرا آزادی خواسته تکوینی و از گواراترین تمایلات طبیعی بشر است. امیرالمؤمنین (ع) به امام حسن (ع) فرمود: «بنده غیر خودت نباش که خدا تو را آزاد آفریده است» (۱۴۱۴ ه.ق: ۴۰۱)^۲ و نیز فرمود: «انسان آزاده آفریده شده است نه برده» (کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق: ۸/۶۹). این جمله کوتاه همه آزادی‌های مورد ادعای تمدن‌های جهانی را فرامی‌گیرد. یکی از غوغابرانگیزترین شاخه‌های آزادی، «آزادی بیان» است. بیان، مسائل درهم‌تیده و مبهم را روشن می‌کند و با تبیین می‌توان یک جامعه را به قله فرهنگ و تمدن رساند و یا به ورطه سقوط و انحطاط کشاند (اسحاقی، ۱۳۸۴: ۹۱). بدین جهت، قرآن کریم «بیان» را هم‌وزن نعمت آفرینش دانسته است (الرحمن/۳-۴) و به «قلم» به دلیل عظمت آن سوگند یاد کرده است (قلم/۱)؛ زیرا رشد فکری، بروز نارسایی‌های پنهان اجتماعی و جلوگیری از استبداد و طغیان اجتماعی و امدار تضارب آراست. در مقابل، بازداری از ابراز اندوخته‌های ذهنی، موجب پوسیدگی مغزها و خشکیدن جوانه‌های استعداد شده، تحول را کند و بسترهای پنهان‌کاری و سرکشی اجتماعی را فراهم می‌کند. باتوجه به دریافت‌های متفاوت و گاه متضاد از «آزادی بیان» و نیز بهره‌وری‌های ناروای کشورهای استعماری از آن و بریدن زبان‌ها و شکستن قلم‌ها توسط برخی از زمامداران اسلامی و همچنان زایش و ظهور اقتضائات و پرسش‌های نوپدید فراوری معارف اسلامی، تبیین «آزادی بیان» در منطق قرآن کریم و نگره مفسران پراهمیت است. از این رو، نوشتار پیش‌رو در پی کشف ماهیت «آزادی بیان» در ادبیات قرآن کریم می‌باشد. در فرضیه این مهم بیان شده است که اظهار باورها در نگرش قرآن کریم آزاد و گاه لازم است؛ اما این آزادی مطلق نبوده و ضوابط عقلی، شرعی و قانونی بر آن حاکم است.

تتبع در سابقه پژوهشی «آزادی بیان»، نتایجی را به دست می‌دهد که عبارت‌اند از: کتاب «آزادی در قرآن»، نگاشته محمدعلی ایازی، این کتاب هرچند قرآنی است، اما «آزادی بیان» را به صورت کوتاه بحث کرده است. مقاله «حق آزادی بیان از منظر قرآن»

۱. «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ... وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...»

۲. «وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ حُرًّا»



اثر سیدکاظم سیدباقری، آثار یادشده به «آزادی بیان» از نگاه اسلام تمرکز کرده و به جنبه قرآنی آن کمتر توجه کرده‌اند. پیگیری‌های انجام‌شده در عرصه دیرینه پژوهشی «آزادی بیان» نشان می‌دهد پیشینه عام (آزادی در اسلام) این مقوله اندک و پیشینه خاص (آزادی بیان در قرآن) کمتر و پیشینه اخص (آزادی بیان در قرآن از منظر مفسران فریقین) ندارد. بنابراین، این پژوهش بدیع و بی‌سابقه است.

نگارنده با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ی و نرم‌افزاری، روش توصیفی-تحلیلی و تفسیر موضوعی استنتاجی، با استناد به آیاتی همچون لزوم تبیین و مذمت کتمان حق (آل‌عمران/۱۸۷)، دستور به جدال احسن (نحل/۱۲۵)، مشاوره (آل‌عمران/۱۵۹)، استماع اقوال دیگران (زمر/۱۸) و... و تکیه بر آرای مفسران آزاد بودن تبیین افکار و عقاید از نگاه قرآن کریم را استنباط کرده است.

۱. مفهوم‌شناسی

رویه پژوهشی آن است که پیش از تحلیل و نظام‌بخشی داده‌ها، واژگان محوری مسئله تبیین شوند؛ زیرا تعریف مفاهیم کلیدی نقشی اساسی در فهم متن دارد. ازاین‌رو، دو دانش‌واژه «آزادی» و «آزادی بیان»، به‌عنوان تسهیل‌کننده فهم داده‌های اصلی مقاله تشریح می‌شود.

۱-۱. آزادی

در فرهنگ فارسی عمید، آزاد به معنای رها و بی‌قیدوبند آمده و آزادی در معنای رهایی و خلاص، عتق، حریت، اختیار، خلاف بندگی، رقیّت، عبودیت، اسارت و اجبار، قدرت عمل و ترک عمل و قدرت انتخاب به کار رفته است (لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ معین). آزادی یعنی نبودن مانع برای انجام کاری، اسیر، زندانی، یا گرفتار نبودن. به‌لحاظ سیاسی یعنی امکان عملی کردن خواسته‌ها به‌صورت فردی یا جمعی و حق اقدام و انتخاب بدون دخالت دیگران (انوری، ۱۳۸۱: ۸۹). معادل عربی آزادی، واژه «حریت» است. در قرآن کریم واژه «الْحُرُّ» (بقره/۱۷۸) به معنای آزاد و کلمه «تَحْرِیرُ» (مجادله/۳) به معنای آزاد کردن آمده است.

آزادی همانند بسیاری از دانش‌واژه‌های علوم انسانی، دارای معانی عدیده و برداشت‌های متفاوت و گوناگون است (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۵۷۴). متفکران مکاتب گوناگون فلسفی، فکری و اجتماعی، رویکردهای مختلف و گاه متضاد در قبال آزادی اتخاذ کرده‌اند. رگه‌های اصلی تعریف‌های متفاوت و متعارض از آزادی به جهان‌بینی تعریف‌کننده برمی‌گردد؛ هرچند شرایط جغرافیایی، محیطی و فرهنگی نیز اثرگذار است (عابدی





اردکانی، ۱/۱۳۹۴: ۲۸۴). بدین جهت ارائه تعریف جامع و دقیق از آن دشوار و گاه خارج از توان قلم و بیان است.

در جهان‌بینی اسلام، جهان تک‌قطبی و حاکمیت بر آن در انحصار خداوند است. در نگرش اسلام ریشه آزادی، توحید و معرفت خداوند است. بدین سبب، ادیان الهی بر عبودیت انحصاری پروردگار تکیه کرده‌اند. قرآن خطاب به اهل کتاب می‌فرماید: «ای اهل کتاب! بیایید بر یک کلمه با هم توافق کنیم که هیچ‌کسی غیر از خدا را عبادت نکنید و هیچ‌چیزی را- نه فقط هیچ‌کسی را- شریک خداوند قرار ندهید». باز مطلب را در صحنه زندگی روشن‌تر و عینی‌تر می‌کند: «هیچ‌کدام از ما آن دیگری را پروردگار و ارباب خودمان نگیریم، مگر خدا.»^۱ امروز هم اگر بشر بتواند سنگینی بار نظام‌های فاسد، انسان‌های ظالم و خودکامه و... را از دوش خود بردارد، آزادی از غیر حاصل می‌شود. «براساس این، بهره‌مندی از آزادی اجتماعی، درگرو آزادی معنوی است و هدف بعثت، تأمین آزادی‌های درونی و بیرونی بوده است» (صدر، ۱۳۵۸: ۳۰)؛ یعنی اگر تقوا و تزکیه، آزادی حقیقی را به ارمغان می‌آورد و مایه پیروزی بر قدرت‌های بزرگ عالم می‌شود. بنابراین، از نگاه قرآن کریم مبنای آزادی توحید است و آزادی بیرونی، پس از تحقق آزادی درونی تأمین می‌شود. در این بینش آزادی یعنی تقید و التزام انسان به اطاعت خداوند و نفی مطلق اطاعت غیر خدا.

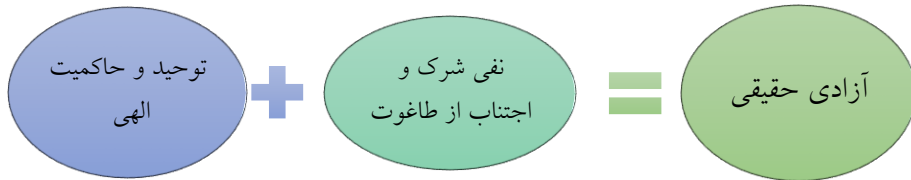
همان‌گونه‌که اشارت رفت، مفهوم آزادی خوانش‌های متعددی را برتافته است. برلین (۱۳۶۸) آزادی را به معنای رهایی از بند و زندان، تلاش برای کنارگذاشتن موانع، جلوگیری از مداخله، بهره‌کشی و اسارت انسان توسط دیگران می‌دانند (سیدباقری، ۱۳۹۷: ۱۰). آزادی یعنی توانایی گزینش یک امر از میان امور گوناگون (جعفری، ۱۳۷۵: ۷۶). مطهری باورمند است که «آزادی یعنی نبود مانع، جبر و قید در سر راه، پس آزادام و می‌توانم راهم را انتخاب کنم» (۱۳۸۶: ۱۰۸).

حاصل آنکه، مفهوم آزادی پس از تبیین زیرساخت‌های بنیادین آن قابل تعریف است. از آنجاکه در ادبیات قرآن کریم، توحید زیربنای امور است، آزادی در جهان‌بینی الهی

۱. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»

عبارت است از: پذیرش حاکمیت الهی، نفی حاکمیت طاغوت و ردع و منع همه اسارت‌ها و قیدوبندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و

شکل ۱: مبانی آزادی در قرآن کریم



۲-۱. آزادی بیان

راغب اصفهانی و جوهری واژه «بیان» را در لغت به معنای کشف و آشکارسازی دانسته و اعم از نطق می‌دانند. کاربرد این واژه در قرآن کریم مانند «ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ» (قیامت/۱۹)، «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ» (آل عمران/۱۳۸) «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (رحمان/۴) به همان معنای لغوی است. «آزادی بیان» از مفاهیم لغزنده و کشدار است که تفسیرها و بازاندیشی‌های اندیشمندان بسیاری را تجربه کرده است. «آزادی بیان»، یعنی ابراز آزادانه باورها از راه‌های گوناگون (گفتار، نوشتار، تصویر، مطبوعات و ...) بدون ترس از دولت (سیدباقری، ۱۳۹۷: ۹). به‌دیگرسخن، «آزادی بیان» یعنی حق نشر افکار از مسیرهای مختلف، بدون اینکه متوقف بر تحصیل اذن یا محکوم به سانسور باشد (شیرخانی، ۱۳۸۶: ۲۳۵). بنابراین، «آزادی بیان» به معنای حق ابراز باورها و فرآورده‌های علمی و فکری خود، در قالب‌های گفتاری، نوشتاری، نمایشی و ... بدون دل‌مشغولی و هراس از تعقیب و پی‌جویی است.

۱. مؤلفه‌های آزادی بیان در قرآن کریم

تمحیص و تدقیق در قرآن کریم نشان‌دهنده آن است که این محتوای فخیم معرفت، مفاهیم و دانش‌های مورد نیاز بشر را به‌خوبی در خود جای داده است. هرچند کشف و بازیابی آن در هر زمان، با نکته‌سنجی راسخان در علم و تدبّرگران آگاه حاصل می‌شود. شواهد قرآنی و روایی نشان‌دهنده آن است که بیان باورها در جامعه اسلامی در عرصه‌های گوناگونی اعتقادی، سیاسی و اجتماعی روا و آزاد است؛ زیرا اسلام مکتبی دارای قوی‌ترین منطق و صریح‌ترین سیاست‌هاست. بنابراین، از افکار مخالف هیچ ابایی ندارد تا مانع آنها شود. در ذیل با نگاهی گذرا به «آزادی بیان» در قرآن کریم، رهیافت‌های قرآنی مفسران فریقین در زمینه «آزادی بیان» تبیین می‌شود.





۲-۱. وجوب بیان و تبیین

«آزادی بیان» در بینش قرآن کریم یک ضرورت و عامل حفظ نظام اسلامی از انحراف بوده و کتمان و پنهان‌کاری مذموم است: «و به خاطر بیاورید هنگامی را که خدا، از کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، پیمان گرفت که حتماً آن را برای مردم آشکار سازید و کتمان نکنید! ولی آنها، آن را پشت سر افکندند و به بهای ناچیزی فروختند و چه بد متاعی می‌خرند» (آل عمران/۱۸۷).^۱ قرآن کریم اهل کتاب را به دلیل درهم‌آمیختن حق و باطل و کتمان حقایق توییح کرده است (آل عمران/۷۱)^۲ و در آیه دیگر کتمان‌کنندگان معارف الهی و هدایتی را ملعون می‌داند (بقره/۱۵۹).^۳ صاحب تفسیر المنار می‌نگارد: بیان و تبیین، به شیوه تدریجی، افزایشی و گسترده (برای مؤمنین و غیرمؤمنین) واجب است (رشید رضا، ۱۴۱۴ ه.ق/۴: ۲۷۸ و ۲۸۰)؛ زیرا دانشمندان همچون زبان و سخن ابزار تبیین و تبلیغ است. پس اگر عالمی تبیین نکند یا حقایق را تأویل نابجا و تحریف کند، اختلاف‌های دینی و انحراف از جاده صواب پیش خواهد آمد (طباطبایی، ۱۳۹۰/۱: ۳۸۸). نویسنده المنار معتقد است: قرآن کریم، به‌خوبی حفظ، نشر و تلاوت شده و می‌شود؛ اما نسبت به توضیح و تبیین آن برای مردم کوتاهی شده است که این امر باعث کم‌رنگ شدن معارف قرآن در جامعه و انحراف مسلمانان از راه حق و حقیقت شده است (رشید رضا، ۱۴۱۴ ه.ق/۴: ۲۸۰). حال آنکه خداوند از علما پیمان گرفته تا حق را برای مردم بیان کنند و آیات خدا را از خلق پنهان نکنند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ه.ق/۱: ۳۸۸ و قطب، ۱۴۲۵ ه.ق/۱: ۵۴۱). از دید رشید رضا راه جلوگیری از انحراف مسلمین، تبیین و عدم کتمان قرآن و معارف دین است؛ زیرا کتمان و عدم بیان، در فهم مفاهیم قرآنی التباس و اضطراب ایجاد کرده و موجب انحراف و انحطاط می‌شود (رشید رضا، ۱۴۱۴ ه.ق/۴: ۲۷۹). لازمه ستایش تبیین‌کنندگان و نکوهش کتمان‌کنندگان حقایق، «آزادی بیان» است؛ پس اظهار واقعیات‌ها برای جامعه -در قلمرو مادی و معنوی- نه تنها آزاد بلکه عدم بازگویی آن ناپسند است؛ زیرا موجب انحراف مردم از مسیر سالم و نجات‌بخش می‌شود.

۱. «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُخْسَ مَا يَشْتَرُونَ»

۲. «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

۳. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ»

۲-۲. تبلیغ و پیام‌رسانی

مفاهیم دعوت، تبلیغ و اندرز در قرآن کریم به اصل «آزادی بیان» دلالت دارد که در آیات چند بدان تصریح شده است. پیامبر وظیفه‌ای جز رساندن پیام الهی ندارد (مانده/۹۹).^۱ فخر رازی ذیل این آیه می‌نویسد: پیامبر مکلف به تبلیغ است (۱۴۲۰ هـ/ق/۱۴: ۴۴۱). قرآن کریم را «بیان» خوانده است (آل عمران/۱۳۸)^۲ و پیامبر اکرم (ص) را تبیین‌کننده (ابراهیم/۴)^۳ و دعوت‌کننده خوانده است (نحل/۱۲۵).^۴ این آیه شیوه مواجهه با گروه‌های مختلف اجتماعی و کیفیت استدلال با آنان را بیان می‌کند. گفتگو با نخبگان و اشراف با سلاح حکمت (برهان قطعی)، سخن گفتن با عوام مردم به زبان نصیحت نیکو (دلیل اقناع‌ساز) و با مزاحمان باید به مجادله برخاست (فخر رازی، ۱۴۲۰ هـ/ق/۲۰: ۲۸۷). بنابراین، آیات نقل شده، پیامبر (ص) را مسئول تبلیغ و دعوت معرفی کرده است و دانشمندان و متفکران اسلامی نیز این رسالت را به عهده دارند.

آیات نصیحت و موعظه (اعراف/۶۲-۶۸-۹۳)^۵ نیز به دلالت التزامی «آزادی بیان» را می‌رساند؛ زیرا موعظه زمانی محقق می‌شود که «آزادی بیان» وجود داشته باشد. بر مبنای همین آیات یکی از کارویژه‌های دولت نبوی در سه عرصه داخلی، منطقه‌ای و جهانی، دعوت و ابلاغ پیام اسلام بود. لزوم دعوت و تبلیغ، به آزاد بودن اعمال و رفتارهای تبلیغی دلالت دارد؛ زیرا بدون «آزادی بیان» این وظیفه ایفا و امتثال نمی‌شود.

۲-۳. آزادی اظهارنظر در مقام مشورت‌دهی

شورا یعنی استفاده از آرای دیگران، به‌منظور پی بردن به دیدگاه آنها و یاری جستن از آن برای دستیابی هر چه بهتر و بیشتر به حقیقت و رفع شک و تردید (قاضی‌زاده، ۱۳۸۴: ۳۰۴). مشورت‌خواهی نشانه حرمت‌گذاری به مردم و نگرش‌های آنان است. اسلام با نظرخواهی از مردم، آنان را وادار به بیرون انداختن خواسته‌ها و افکارشان کرده است. قرآن با نقل پیشینه شورا در دستگاه ملکه سبا (نمل/۳۲)، فرعون (قصص/۲۰ و طه/۶۲)،

۱. «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ»

۲. «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ»

۳. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»

۴. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...»

۵. «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ * أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ * فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَى عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ»





عزیز مصر (یوسف/۴۳) خطاب به پیامبرش می‌فرماید: در امور اجتماعی و حکومتی، از مردم نظرخواهی کن (آل عمران/۱۵۹)^۱ و در آیه دیگر یکی از اوصاف مؤمنان را مشورت کردن با دیگران می‌داند (شورا/۳۸).^۲ آیه ۱۵۹ آل عمران پس از شکست مجاهدان دولت نبوی در غزوه احد نازل شد؛ نبردی که طراحی آن توسط شورا انجام شده بود و خروج از مدینه نظر اکثریت بوده نه پیامبر (ص) (طبری، بی تا/۲: ۶۰). از این رو، انتظار می‌رفت سنت مشورت تحریم شود؛ اما خداوند ضمن تأیید نظرخواهی پیامبر (ص) از مردم قبل از جنگ و احترام به آرای آنان، به تداوم این سنت دستور داد (سیدقطب، ۱۴۲۵ ه.ق/۱: ۵۰۱ و رشید رضا، ۱۴۱۴ ه.ق: ۱۹۹).

در حکومت نبوی هم‌اندیشی میان پیامبر (ص) و اصحاب یک سنت رایج بود. گاه نیز جهت احترام به رأی اکثریت، از نظر خود چشم‌پوشی می‌کرد. چنان‌که پیامبر (ص) در جنگ بدر براساس نظر «حباب ابن منذر» عمل کرد (ابن کثیر، ۱۳۹۳ ه.ق/۲: ۴۰۲) و در جنگ احد دیدگاه مشاوران را بر رأی خود ترجیح داد (همان/۳: ۲۲). به همین ترتیب امیرالمؤمنین (ع) خطاب به مردم می‌فرماید: «آنچه را از دیگران پنهان می‌کردید از من پنهان مدارید... با من از گفتن حق خودداری نکنید و با من با ظاهرسازی برخورد نکنید و درباره‌ام گمان بی‌جا نبرید که گفتن حق بر من سنگین باشد... پس، از سخن به حق و یا مشورت در عدل با من دریغ نورزید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). امام (ع) می‌فرماید: بیان مشکلات و شکایات در حوزه حکومت و جامعه آزاد است و هیچ مشکلی متوجه منتقدان نخواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶/۸: ۲۶۷-۲۶۹). از تشویق و ترغیب اسلام به مشورت و استفاده از آرای دیگران درمی‌یابیم که از نظر اسلام محیط جامعه باید به‌گونه‌ای باشد که اظهارنظر و عقیده در آن آزاد باشد تا در پرتو تضارب آراء، حق آشکار و تصمیم برتر گرفته شود (اسحاقی، ۱۳۸۴: ۹۵). پس دستور خدا به پیامبر (ص) برای مشورت با مؤمنان و نظرخواستن از آنان، مستلزم این است که مردم در بیان دیدگاه و اظهارنظر آزاد باشند.

۲-۴. به رسمیت شناختن حق بیان برای دیگران

اسلام مکتب مرقی و منطقی است و به آحاد افراد بشر فرصت بیان باورهای خود را می‌دهد تا افکارشان به‌درستی هدایت یابد. قرآن کریم کسانی را خردمند می‌داند که به

۱. «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...»

۲. «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ...»

سخنان گوناگون گوش فراداده و بهترین آنها را برمی‌گزینند (زمر/ ۱۷ و ۱۸)^۱. در این آیه نقادی دینی و تمیزدهی بین بهتر و بهترتر، نیکو و نیکوتر ستایش شده است (آلوسی، ۱۴۱۵ ه.ق/ ۱۲: ۲۴۲) و نشان‌دهنده آزاداندیشی مسلمانان و حق انتخاب‌گری آنها در مسائل مختلف است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱/ ۱۹: ۴۱۲). براساس این آیه، آزادی افکار، موجب رشد افکار می‌شود. ایازی می‌نویسد: این آیه از فرصت بیان اندیشه و تبادل افکار و طرح آراء متضارب و گوناگون خبر می‌دهد؛ زیرا در فضای آزادی اندیشه و بیان آن، امکان استماع اقوال مختلف و سپس متابعت از احسن الاقوال وجود دارد. اگر آزادی در گفتار نباشد، اقوال مختلف وجود ندارد تا مردم آنان را بشنوند و میان آنها مقایسه و از برترین آنها تبعیت کنند (۱۳۷۹: ۱۸۸)؛ یعنی در جامعه اسلامی بستر طرح دیدگاه‌های مختلف مهیاست و افراد می‌توانند سنجش‌گرانه و محققانه اقوال گوناگون را استماع و قول احسن را برگزینند (سیدباقری، ۱۳۹۷: ۱۷).

براساس آنچه گذشت، بشارت و تحریص قرآن به شنوندگان آرای دیگران و سنجش و گزینش خردمندانه آنها، به‌صراحت به «آزادی بیان» دلالت کرده و محیط اجتماعی را به سمت گفتگوهای آزادانه و ایجاد ظرفیت هم‌پذیری سوق می‌دهد.

۲-۵. برخورداری مخالفان از آزادی اظهارنظر در جامعه اسلامی

اتقان و استحکام معارف اسلامی، منطق و حکمت عقلایی مکاتب الهی باعث شده است که دین اسلام نه‌تنها، مانع افکار و اقوال دیگر ایسم‌ها، ایدئولوژی‌ها و افکار نشود، بلکه بیان عقاید آنان را جایز می‌داند. قرآن کریم در آیه ۱۲۵ سوره نحل با مسلم دانستن اصل «آزادی بیان»، به پیروان خود سفارش می‌کند تا در هنگام مناظره با مخالفان، حکیمانه سخن گفته و به شیوه صحیح مجادله کنند.^۲ مغنیه می‌نویسد: جدال احسن یعنی اینکه هدف از مجادله اظهار و بیان حق و اقناع مخالف باشد نه صرف مجاب کردن و کوبیدن (۱۴۲۴ ه.ق/ ۴: ۸۷۹). بر مبنای این آیه پیامبر (ص) مأمور می‌شود که با مخالفانش مناظره و گفتگو کند و فرصت بیان دیدگاه‌هایشان را بدون هراس فراهم کند، نه اینکه سخن خود را بر آنان تحمیل و آنان را به پذیرش آن مجبور کند (سیدباقری، ۱۳۹۷: ۱۷). یعنی در دعوت خود یک‌طرفه سخن مرانید؛ بلکه به طرف مقابل اجازه دهید شبهات خود را مطرح

۱. «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»

۲. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...»





کند و با گفتگو و تعامل به اظهار حق بپردازید. یکی از پژوهندگان می‌نویسد: جدال وقتی صورت می‌گیرد که «آزادی بیان» وجود داشته و افراد امکان بیان عقاید خویش را داشته باشند؛ حال آنکه در محیط‌های بسته و فضای اختناق و استبداد، زبان‌ها بریده، قلم‌ها درهم‌شکسته و نشریات و رسانه‌ها تعطیل می‌شود و دیگر جدال و بیان منطقی و استدلالی صورت نمی‌گیرد و تبلیغات یک‌سویه است (ایازی، ۱۳۷۹: ۱۸۹).

بر پایه این دستور قرآنی و سیره عملی پیامبر اکرم (ص) جامعه اسلامی نیز باید از افکار و سلايق گوناگون استقبال و فرصت بحث و گفتگو را در جامعه مهیا کند؛ زیرا این آیه با پذیرش اصل آزادی در اظهار عقاید و افکار برای جبهه مقابل، کیفیت گفتگو و مناظره را بیان داشته و دستور می‌دهد تا با منطق مستحکم و مناظره نیکو با مخالفان فکری و عقیدتی خود رفتار کنید.

۲-۶. برخورداری اهل کتاب از آزادی اظهارنظر در جامعه اسلامی

یکی از وظایف پیامبر اکرم (ص) دعوت اهل کتاب به اسلام بود و قرآن کریم نیز خط‌مشی مواجهه و گفتگو با آنان را در آیات عدیده به تصویر کشیده است: «ای اهل کتاب! بیایید بر یک کلمه با هم توافق کنیم که هیچ‌کسی غیر از خدا را عبادت نکنیم و هیچ‌چیزی را - نه فقط هیچ‌کسی را - شریک خداوند قرار ندهیم. باز مطلب را در صحنه زندگی روشن‌تر و عینی‌تر می‌کند: «هیچ‌کدام از ما آن دیگری را پروردگار و ارباب خودمان نگیریم، مگر خدا» (آل عمران/۶۴).^۱ این دعوت رسالت همه پیامبران است (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ ه.ق/۲: ۴۷) و پیامبر اکرم (ص) مأمور شد تا اهل کتاب را به گفتگو بر محور نقاط مشترک و امور مسلم نزد طرفین که هیچ تردیدی در آن‌ها نیست دعوت کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ ه.ق/۶: ۷۷). دعوت به توحید، کلام منصفانه است که هر عقل سلیم و طبیعت مستقیم آن را می‌پذیرد. خطاب (یا اهل‌الکتاب) بهترین تعبیر و نیکوترین لقب است که قرآن کریم به کار برده تا به سخن‌گویان اسلام آموزش دهد که در مقام گفتگو، مخاطب خویش را تعظیم کرده و نسبت به آنها نیک‌اندیش باشند (فخر رازی، ۱۴۲۰ ه.ق/۸: ۲۵۱)؛ زیرا توحید و نفی شرک و فرهنگ ارباب‌رعیتی، وجه مشترک بین اسلام و ادیان دیگر است و قرآن کریم به پیغمبر دستور می‌دهد که از همین راه استفاده کند.

۱. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»

خداوند در آیه دیگر می‌فرماید: این مجادله باید به شیوه احسن صورت گیرد (عنکبوت/۴۶)^۱ و مجادله نیکو آن است که با درشت‌خویی، طعنه، اهانت، لجاجت و عناد قرین نباشد؛ بلکه با نرمی و سازش همراه بوده و به خصم آزار نرساند. طرفین علاقه‌مند به روشن شدن حق بوده و با کمک و تعاضد حق را روشن کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/ق: ۱۳۷). بدیهی است که امر به جدال و تشویق به آن، زمانی صحیح است که به طرف مقابل فرصت بیان عقیده داده شود، وگرنه تعبیر به جدال معنا نداشت؛ زیرا جدال یک امر طرفینی است (اسحاقی، ۱۳۸۴: ۹۷-۹۸).

یکی از واژگانی که به‌صراحت بر جواز «آزادی بیان» دلالت دارد، محاجّه است. قرآن کریم به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که هرگاه پس از استدلال‌های روشن پیشین، کسی درباره عیسی با تو گفتگو کند و به جدال برخیزد، به او پیشنهاد «مباهله» کن (آل عمران/۶۱).^۲ نگارنده من وحی القرآن می‌نویسد: مناظره‌ای بین پیامبر (ص) و مسیحیان در فضای کاملاً آزاد و آرام برگزار می‌شد (فضل الله، ۱۴۱۹: ۶/ق: ۶۵). وی پس از نقل کیفیت مناظره می‌نگارد: شاید ارزش این داستان در این است که روش گفتگوی اسلامی را در مواجهه با افکار مخالف و متضاد برای ما مجسم می‌کند. تساهل اسلام با دیگران و نیز ورود به مناظره از موضع قدرت، نه ضعف (فضل الله، ۱۴۱۹: ۶/ق: ۶۴).

قرآن کریم در آیه دیگر ضمن پذیرش جواز اصل محاجّه می‌فرماید: «احتجاج باید عاقلانه و متکی بر علم باشد» (آل عمران/۶۵-۶۶).^۳ این آیات به‌وضوح می‌رساند که اهل کتاب اجازه داشتند در برابر پیامبر اسلام آزادانه احتجاج و جدال کنند. به تعبیر یکی از نویسندگان، رفت‌وبرگشت استدلال حتی با آنان که ضروریات اسلام را قبول ندارند، باید در بستر علمی و فضای منطقی صورت گیرد. وقتی در امور بنیادی مانند توحید و معاد و رسالت اظهارنظر آزاد است و با منکران این مسائل باید گفتگو کرد و به آنان اجازه ابراز باورهایش را داد، به طریق اولی در مسائل روبنایی مانند امور اجتماعی و سیاسی ابراز دیدگاه‌ها رواست؛ زیرا حوزه سیاست و اجتماع و... عرصه نظرات متکثر، متعارض

۱. «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»

۲. «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»

۳. «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَّجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»





و متفاوت است (سیدباقری، ۱۳۹۷: ۱۷). حاصل آنکه، یکی از رویگاه‌های نظام فکری اسلام در حوزه «آزادی بیان» واژگان «مجاهد و مجادله» با اهل کتاب است، با تکیه بر این گروه از آیات فرصت اظهار عقاید و بستر گفتگوهای علمی و منطقی با پیروان ادیان و مذاهب دیگر باید مهیا باشد.

۷-۲. تحدی و برهان طلبی

یکی دیگر از صریح‌ترین آیاتی که «آزادی بیان» و جواز اظهار مکنونات باطنی را افاده و بدان تشویق می‌کند، آن دسته از آیاتی است که مخالفان حقانیت را به مبارزه، همانندآوری و برهان‌آوری می‌طلبند (بقره/ ۱۱۱، نمل/ ۶۴)^۱ و نیز این (بقره/ ۲۳، یونس/ ۳۸، هود/ ۱۳، طور/ ۳۴، اسرا/ ۲۴). «تا اتمام حجت کند برای کسانی که در مقابل دعوت اسلام لجاجت و سرکشی می‌کنند، یا کسانی که بدون لجاجت حقیقتاً در شک و تردید به سر می‌برند». خطاب این آیات به همه بشریت در طول تاریخ است. امروز هم عیناً همین خطاب هست؛ یعنی در عصر حاضر نیز قرآن کریم اهل علم را به همانندآوری فرامی‌خواند. به باور فخررازی براساس آیه ۱۱۱ سوره بقره هرآن‌که ادعایی دارد در نفی یک مسئله یا اثبات آن باید دلیل و برهان ارائه دهد (۱۴۲۰ ه.ق/ ۴: ۶). بدیهی است که هم‌اوردطلبی و برهان-خواهی آنگاه صدق می‌کند که زمینه آشکار کردن نظر برای ایدئولوژی‌های دیگر وجود داشته باشد، وگرنه برهان‌خواهی لغو و ادعای گزاف خواهد بود. لازمه حجت‌خواهی، آزاداندیشی است.

۸-۲. امر به معروف و نهی از منکر و حق نظارت

تأکید قرآن کریم به فراخواندن به نیکی‌ها و نهی از بدی‌ها، به حق «آزادی بیان» دلالت دارد؛ زیرا بدون «آزادی بیان»، امر و نهی عینیت نمی‌یابد. امر به معروف و نهی از منکر یکی از عوامل بقای اسلام است. اگر به جریان آب در یک رودخانه توجه کنیم، خواهیم یافت که هرگاه آلودگی در آن ریخته شود، تلاطم آب، مواد مضر را از بین می‌برد و مواد حیاتی را عرضه می‌کند. محیط جامعه نیز باید چنان زلال باشد که اگر کسی قطره فساد می‌هم در آن چکاند، خود جامعه آن را هضم کند و از بین ببرد. شکل‌دهی چنین جامعه‌ای با امر به معروف و نهی از منکر صورت می‌گیرد. این نگرش ناشی از آن است که قرآن کریم می‌فرماید: «مردان و زنان باایمان، ولی و یار و یاور یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر

۱. «...قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»

می‌کنند...» (توبه/۷۱ و آل عمران/۱۱۰ و ۱۰۴). مؤمنین و مؤمنات را در هر نقطه از جهان اسلام آمران به معروف می‌داند. امر به معروف و نهی از منکر خصوصیتی است که مؤمن را از منافق متمایز می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ ه. ق/۱۶: ۱۰۰). امام حسن مجتبی (ع) فرمود: یکی از حقوق زندگان آن است که در صورت منحرف شدن ولیّ امر (حاکم و مسئولان جامعه) از راه حق با صدای بلند بر او اعتراض شود (معروف الحسنی، بی تا/۱: ۴۷۳). امام خمینی فرمود: «اگر من یا یک معمم پایمان را کج گذاشتیم، اگر نگوید چرا پایت را کج گذاشتید؟ مسئول هستید، باید هجوم کنید و نهی کنید. نهی از منکر اختصاص به روحانی ندارد، مال همه است. امت باید نهی از منکر و امر به معروف بکند» (۸/۱۳۸۹: ۴۸۸-۴۸۷). رسالت امت اسلامی به عنوان طلّیعه داران بشریت، قیام به امر به معروف و نهی از منکر است تا از جامعه در برابر فساد و تباهی پاسداری کنند (سید قطب، ۱۴۲۵ ه. ق/۱: ۴۴۷).

نتیجه آنکه، لزوم نظارت بر رفتار دیگران به ویژه در عرصه اجتماع و توصیه دلسوزانه مسلمانان به همدیگر به هدف جلوگیری از پیدایش و افزایش فساد و انحراف، نمایانگر آن است که در بافتار و ساختار جامعه اسلامی، گفتار، نوشتار و کردار اصلاح طلبانه و فسادستیز آزاد و بلکه رسالت همگانی است.

۲-۹. آزاد بودن دادخواهی و اظهار آن

شوربختانه از سپیده دم تاریخ تا به امروز همواره ستمکاران و اقطاب ماده پرست، بشریت را به استضعاف کشانده و آنان را مَطْمَع خواسته های خویش قرار دادند و خوشبختانه انسان های والامنش با نصرت الهی و تلاش های مأجور خویش موازنه قدرت را به سود پاسبانان انسانیت سوق داده و به استغاثه های مظلومان پاسخ داده اند. خداوند متعال ستمدیدگان عالم را به حق خواهی و عدالت طلبی فراخوانده و از آنان در این راستا حمایت و پشتیبانی کرده است (نسا/۱۴۸)؛^۲ یعنی مظلوم اجازه دارد تا با صدای بلند از ظلم شکایت کند و ظالم باید به مردم معرفی شود؛ زیرا اعلام ظلم، رجوع به عدالت خداوند است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ه. ق/۴: ۲۹۵).

۱. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»

۲. «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا»





بنابراین، بر مبنای آیه ۱۴۸ سوره نساء و شعار قرآنی نه ظلم کنید و نه زیر بار ظلم بروید (بقره/۲۷۹)،^۱ افشای ستم لازم و ستم‌کشی حرام است؛ یعنی اسلام نه تنها دادخواهی را محترم شمرده است، بلکه آن را برای احیای حق و عدل و محو ظلم واجب کرده است. ایجاد دادگاه در اسلام خود نشان‌دهنده احترام به دادخواهی مردم است (عمید زنجانی، ۱/۱۳۷۷: ۵۷۹). در نتیجه می‌توان گفت: از منظر قرآن کریم دادخواهی و فریاد برآوردن ستمدیدگان لازم است و مسئولان قضایی در جامعه اسلامی عهده‌دار رسیدگی به استغاثه مظلومان هستند.

۲-۱۰. حق سؤال کردن

خداوند ضمن بیان اینکه مردم حق دارند از رهبر و کارگزاران جامعه سؤال کنند، به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که باید پاسخ‌گو باشد. برخی از پرسش‌های مردم و پاسخ‌های پیامبر (ص) که در قرآن نقل شده است، عبارت‌اند از: «پرسش اقتصادی (انفال/۱)، «پرسش سیاسی» (بقره/۱۸۹)، «پرسش علمی» (بقره/۱۸۹)، «پرسش فقهی» (بقره/۲۱۹ و ۲۲۲)، «پرسش اجتماعی اخلاقی» (بقره/۲۱۵ و ۲۲۰)، «پرسش از اطعمه و اشربه» (مائده/۴)، «پرسش فلسفی» (اسراء/۸۵)، «پرسش تاریخی» (کهف/۸۵)، «پرسش طبیعی و کلامی» (نازعات/۴۲ و احزاب/۶۳). امیرالمؤمنین (ع) خود به مردم فرمود: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقَدُونِي» (هلالی، ۱۴۰۵ ه.ق/۲: ۸۰۲). سؤالات مردم و پاسخ‌های پیامبر (ص) به‌عنوان حاکم جامعه نشان‌دهنده آن است که فضای سیاسی اجتماعی حکومت نبوی باز بوده و «آزادی بیان» در آن به‌صورت کامل وجود داشته است. حتی در مواردی نسبت به تصمیم حاکمیت اعتراض می‌کردند. مانند آنچه در صلح حدیبیه رخ داد که بعضی با پافشاری بر جنگ، مخالف صلح بودند و بر پیامبر (ص) خرده گرفتند (ذهبی، ۱۴۰۹ ه.ق/۲: ۳۷۱). بنابراین، استماع پرسش‌ها و پاسخ منطقی بر آنها لازم است. سؤال کردن زمانی صورت می‌گیرد که مردم در بیان نظرگاه‌های خود، آزادی داشته باشند.

۱. «لا تظلمون و لا تظلمون»

جدول ۱: ساختار آزادی بیان در ادبیات قرآن کریم

ردیف	ایده‌های کلیدی	مستندات قرآنی
۱	وجوب بیان و تبیین	«وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ...» (آل عمران/ ۱۸۷ و ۷۱ و بقره/ ۱۵۹)
۲	تبلیغ و پیام‌رسانی	«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ...» (ابراهیم/ ۴). «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ» (مائده/ ۹۹). «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (آل عمران/ ۱۳۸)
۳	آزادی اظهارنظر در مقام مشورت‌دهی	«وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» (آل عمران/ ۱۵۹). «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ...» (شورا/ ۳۸)
۴	به رسمیت شناختن حق بیان برای دیگران	«فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر/ ۱۷ و ۱۸)
۵	برخورداری مخالفان از آزادی اظهارنظر در جامعه اسلامی	سَبِيلَ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (نحل/ ۱۲۵)
۶	برخورداری اهل کتاب از آزادی اظهارنظر در جامعه اسلامی	«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران/ ۶۱ و ۶۴، عنکبوت/ ۴۶)
۷	تحدی و برهان‌طلبی	«...قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره/ ۱۱۱، نمل/ ۶۴). «وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره/ ۲۳۹، یونس/ ۳۸)
۸	امربه معروف و نهی از منکر و حق نظارت	«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (توبه/ ۷۱، آل عمران/ ۱۱۰ و ۱۰۴). «تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر/ ۳)
۹	آزاد بودن دادخواهی و اظهار آن	«لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا» (نساء/ ۱۴۸)
۱۰	حق سؤال کردن	«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ» (بقره/ ۲۱۷) و نیز بقره/ ۲۱۵-۱۸۹-۲۱۹-۲۲۲-۲۲۰، مائده/ ۴، انفال/ ۱، اسراء/ ۸۵، کهف/ ۸۵، نازعات/ ۴۲ و احزاب/ ۶۳)



نتیجه گیری

یکی از مسائل چالش برانگیز اجتماعی و سیاسی «آزادی بیان» است. قرآن کریم که منبع جوشان حکمت و معرفت است، بیان افکار و باورها را نه تنها جایز، بلکه گاه لازم می‌داند و در آیات متعدد بدان اشاره می‌کند. منطق قرآن کریم در ساحت «آزادی بیان» بیان‌کننده آن است که آزادی همواره مورد توجه ادیان توحیدی بوده و آزادی خواهی و آزادی تفکر، قلم و بیان یک از اهداف بنیادین اسلام است؛ زیرا زادوولد فرهنگی، محصول تضارب آراء و عقول می‌باشد. شعار کلیدی همه سفیران الهی، نجات بشریت از اسارت و بردگی و برداشتن اصرها و غل‌ها از دست و پای انسان‌ها بوده است. بر بنیاد برداشت‌های مفسران واژگانی مانند محاجّه، جدال، استماع اقوال دیگران، اتباع احسن الاقوال، امر به معروف و نهی از منکر، پرسش‌گری و حق انتقاد، تحدی و برهان طلبی، جواز دادخواهی، نصیحت و موعظه و... به «آزادی بیان» اشاره و بل تصریح دارند. افزون بر آن، از نگاه اسلام آنجا که اساس دین در خطر است، یا دستگاه سیاسی به خطا می‌رود بیان کردن و افشا کردن واجب می‌شود؛ البته باید توجه داشت که هر چند اظهار نظر آزاد است، اما این آزادی در چارچوب شرع، عقل، منطق و علم قابل پذیرش و دفاع است، و هرگاه بیرون از این قالب بوده و موجب برهم زدن نظم اجتماعی و تخریب افراد شود ممنوع می‌باشد.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آلوسی، محمود ابن عبدالله. (۱۴۱۵ ه.ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. گردآورنده: شمس الدین. لبنان: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۴. ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ ه.ق). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. لبنان: مؤسسه التاریخ العربی.
۵. ابن کثیر، اسماعیل ابن عمر. (۱۴۱۹ ه.ق). تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر). به تحقیق محمد حسین شمس الدین. لبنان: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۶. ابن کثیر، اسماعیل. (۱۳۹۳ ه.ق). السیره النبویه للامام. به تحقیق مصطفی عبدالواحد. لبنان: دار المعرفه للطباعه و النشر و التوزیع.
۷. اسحاقی، حسین. (۱۳۸۴). آزادی در اسلام و غرب. ایران: مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما.
۸. انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. ایران: سخن.
۹. ایازی، سید محمدعلی. (۱۳۷۹). آزادی در قرآن. ایران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
۱۰. برلین، آیزیا. (۱۳۶۸). چهار مقاله درباره آزادی. ترجمه محمدعلی موحدی. ایران: شرکت سهامی خوارزمی.
۱۱. جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۵). فلسفه و هدف زندگی. ایران: انتشارات قدیانی.
۱۲. جوهری، اسماعیل ابن حماد. (۱۴۱۰ ه.ق). الصحاح؛ تاج اللغة و الصحاح العربیه. لبنان: دارالعلم للملایین.
۱۳. الحسنی، هاشم معروف. (بی تا). سیره الأئمه الاثنی عشر (ع). ایران: المکتبه الحیدریه.
۱۴. خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام. ایران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۵. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. ایران: دانشگاه ایران.
۱۶. ذهبی، محمد ابن احمد. (۱۴۰۹ ه.ق). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام. ج ۲. به تحقیق تدمری. لبنان: دارالکتاب العربی.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین ابن محمد. (۱۴۱۲ ه.ق). مفردات الفاظ قرآن. لبنان: دارالعلم.
۱۸. رضا، محمد رشید. (۱۴۱۴ ه.ق). تفسیر القرآن الحکیم الشہیر بتفسیر المنار. لبنان: دار المعرفه.
۱۹. سیدباقری، سید کاظم. «حق آزادی بیان از منظر قرآن». فصلنامه علوم سیاسی. ۲۱ (۸۱)، ۱۳۹۷، ص: ۷ - ۳۲. https://psq.bou.ac.ir/article_۱۶۵۸۶۴.html.
۲۰. شریف الرضی، محمد ابن حسین. (۱۴۱۴ ه.ق). نهج البلاغه (للصباحی صالح). به تحقیق/تصحیح صالح صبحی. ایران: هجرت.





۲۱. شیرخانی، علی. (۱۳۸۶). آزادی از نگاه اسلام شیعی. ایران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۲. صدر، سید محمدباقر. (۱۳۸۵). نهادهای اقتصادی اسلام. ترجمه غلامرضا بیان و فخرالدین شوشتری. ایران: بدر.
۲۳. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۰ ه.ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چ ۲. لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۴. طبرسی، فضل ابن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چ ۳. ایران: ناصر خسرو.
۲۵. طبری، محمد ابن جریر. (بی تا). تاریخ الطبری. به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. مصر: دارالمعارف.
۲۶. عابدی اردکانی، محمد. (۱۳۹۴). دائرةالمعارف حکمت سیاسی اسلامی. [بی جا]: [بی نا].
۲۷. عمید، حسن. (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی عمید. چ ۱۲. ایران: سپهر.
۲۸. عمیدزنجانی، عباس علی (۱۳۷۷). فقه سیاسی (حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). چ ۴. ایران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۹. فخر رازی، محمد ابن عمر. (۱۴۲۰ ه.ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). چ ۳. لبنان: دار إحياء التراث العربی.
۳۰. فضل الله، سید محمدحسین. (۱۴۱۹ ه.ق). تفسیر من وحی القرآن. چ ۲. لبنان: دارالملاک للطباعة و النشر.
۳۱. فولادوند، محمدمهدی. (۱۴۱۸ ه.ق). ترجمه قرآن. چ ۳. ایران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۳۲. قاضی زاده، کاظم. (۱۳۸۴). جایگاه شورا در حکومت اسلامی. ایران: چاپ و نشر عروج.
۳۳. قطب، سید. (۱۴۲۵ ه.ق). فی ظلال القرآن. چ ۳۵. لبنان: دار الشروق.
۳۴. کلینی، محمد ابن یعقوب. (۱۴۰۷ ه.ق). الکافی (ط - الإسلامية). به تحقیق/تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. ایران: دار الکتب الإسلامية.
۳۵. مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). تفسیر المراغی. لبنان: دار الفکر.
۳۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶). اسلام و مقتضیات زمان. چ ۸. ایران: انتشارات صدرا.
۳۷. معصومی، جمشید. (۱۳۹۶). آزادی بیان و مبانی آن. ایران: نشر میزان.
۳۸. معین، محمد. (۱۳۷۶). فرهنگ فارسی. چ ۱۰. ایران: سپهر.
۳۹. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ ه.ق). التفسیر الکاشف، ایران: دار الکتب الإسلامية.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. چ ۱۰. ایران: دار الکتب الإسلامية.
۴۱. میل، جان استورات. (۱۳۴۰ ه.ق). درباره آزادی. ترجمه محمود صناعی. ایران: کتابهای جیبی.